

چکیده:

یکی از تألیفات ارزشمند علامه حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی، اثری است چنددانشی و در عین حال نسبتاً مختصر به نام «الرسالة السعدیه» که گاه آن را «السعدیه» نیز خوانده‌اند. این رساله با بیان مقدماتی از دانش اصول فقه آغاز می‌شود و پس از آن، فصلی در باب اصول پنج‌گانه اعتقادی آمده که همراه آن، چند موضوع فقهی نیز مطرح شده است. در نهایت، رساله، با دو فصل کوتاه در خصوص ترغیب به انجام برخی از اعمال عبادی و اخلاقی و تحذیر از ارتکاب پاره‌ای از منکرات خاتمه می‌یابد. بدین‌سان، رساله سعدیه مشتمل است بر مباحثی چند از علوم اصول فقه و کلام و فقه و اخلاق، علامه، چنانکه در دو موضع از مقدمه رساله تصریح کرده، این اثر را برای سعدالدین محمد بن علی ساوجی (اوجی) نگاشته و ثواب نگارش آن را به همو تقدیم کرده است. نام گرفتن رساله مزبور به عنوان «سعدیه» نیز طبعاً به همین مناسبت است. نویسنده، نوشتار حاضر را با هدف معرفی رساله مذکور و بیان برخی از ویژگی‌ها و مختصات نگارشی آن، به رشته تحریر درآورده است. وی در راستای این هدف، نخست مسئله انتساب رساله سعدیه به علامه حلی و تاریخ نگارش آن را مورد دقت نظر قرار داده است. در ادامه، مباحث مربوط به ساختار، محتوا، نسخه‌ها، ترجمه‌ها، شروح و منتخبات، و چاپ‌ها را مطرح می‌نماید. در نهایت، ویراست دوم تصحیح عبدالحسین محمدعلی بقال از رساله سعدیه را در بوته نقد و بررسی قرار داده و با ارائه شاهد مثال‌هایی، نمونه‌هایی از این اغلاط را بازگو می‌کند.

کلیدواژه:

نگارشهای کلامی، الرسالة السعدیه، السعدیه، علامه حلی، اصول اعتقادات، اصول فقه، اصول کلام، معرفی رساله، عبدالحسین محمدعلی بقال، آثار علامه حلی، آثار کلامی.

# نگرشی بر نگارشهای کلامی (۶)

## الرسالة السعدیه

حمید عطائی نظری

استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

یکی از تألیفات ارزشمند و شایان توجه علامه حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (ت ۶۴۸ ه. ق. ۷۲۶ ه. ق.)، اثری است چنددانشی و در عین حال نسبتاً مختصر به نام «الرسالة السعدیه» که گاه آن را «السعدیه» نیز خوانده‌اند.<sup>۱</sup> این رساله با بیان مقدماتی از دانش اصول فقه آغاز می‌شود و پس از آن، فصلی در باب اصول پنج‌گانه اعتقادی آمده که همراه آن، چند موضوع فقهی نیز مطرح شده است. در نهایت، رساله، با دو فصل کوتاه در خصوص ترغیب به انجام برخی از اعمال عبادی و اخلاقی و تحذیر از ارتکاب پاره‌ای از منکرات خاتمه می‌یابد. بدین‌سان، رساله سعدیه مشتمل است بر مباحثی چند از علوم اصول فقه و کلام و فقه و اخلاق.

علامه، چنانکه در دو موضع از مقدمه رساله تصریح کرده است،<sup>۲</sup> این اثر را برای سعدالدین محمد بن علی ساوجی (اوجی)<sup>۳</sup> نگاشته و ثواب نگارش آن را به همو تقدیم کرده است. نام گرفتن رساله مزبور به عنوان «سعدیه» نیز طبعاً به همین مناسبت است، همانطور که قطب‌الدین شیرازی «التحفة السعدیه» را در شرح قانون ابن سینا بدین مناسبت نامگذاری کرده است.<sup>۴</sup> و همین احتمال درباره کتاب فقهی التحفة السعدیه از ابن داود حلی نیز رفته.<sup>۵</sup> خواجه سعدالدین محمد ساوجی صاحب دیوان، همانند خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ابتدا وزیر غازان خان و پس از آن، وزیر الحیاتو (سلطان محمد خدابنده) بود. قاضی نورالله شوشتری در وصف او می‌گوید: «خواجه سعدالدین محمد اوجی وزیری سعادت‌مند و دبیری فاضل و دانشمند بود. در تعظیم ذریه خیر البریه و ترویج مذهب امامیه و رعایت علمای آن طایفه علیّه مساعی

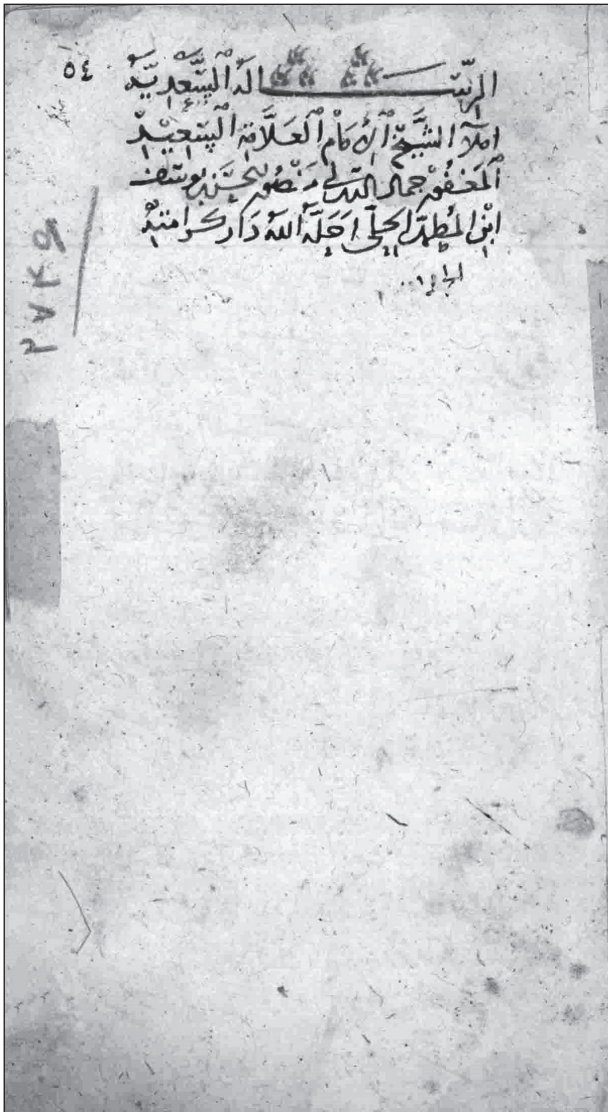
۱. نگرید: تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق.، ج ۳، ص ۴۴۰؛ ج ۱۲، ص ۱۸۳.

۲. «أوضحت في هذه الرسالة السعدیه... برسم المولى: المخدوم الأعظم، صاحب الكبير المعظم، صاحب دیوان الممالک شرقاً وغرباً، بعداً وقرباً، مالک السیف والقلم، ملجأ العرب والعجم، ملاذ جميع طوائف الأمم، محیی رفات المکارم والرمم، ممیت البدع ودافع النقم. المؤید بالالطاف الرئانیة، المظفر بالعنايات الإلهیة خواجه سعد الملة والدين، أعز الله بدوام دولته الإسلام والمسلمین.» (الرسالة السعدیه، اخراج وتعلیق وتحقیق: عبدالحسین محمد علی بقال، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ ه. ق.، ص ۴). همچنین در ص ۸ خاطر نشان می‌کند: «فوضعت للمخدوم الأعظم، خواجه سعد الدين، هذه الرسالة... وجعلت ثوابها وأصلها إليه».

۳. اگرچه در بسیاری از منابع تاریخی و تراجمی، نام او به صورت «ساوجی» منسوب به ساوه ضبط شده است، ولی در برخی مصادر هم او را «اوجی» منسوب به «اوه» خوانده‌اند، برای نمونه نگرید به: خواندمیر، غیبات‌الدین بن همام‌الدین، دستور الوزراء، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۱۷، ص ۳۱۳؛ شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲ ه. ش.، مشهد، ج ۵، ص ۵۷۱؛ رُفعی، محمّد باقر، راهنمای دانشوران، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴ ه. ش.، ج ۱، ص ۲۵۴.

۴. تهرانی، آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعة، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ ه. ق.، بیروت، ج ۵، ص ۱۸۸ و ص ۲۱۳.

۵. همو، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۸۳.



-تصویر شماره ۱-

جمیله به ظهور رسانیده.<sup>۶</sup> گویا پس از مدتی همکاری با رشیدالدین، میان خواجه سعدالدین که بر مذهب امامیه بود و همچون تاج‌الدین آوجی از حامیان تشیع در آن عصر و رشیدالدین فضل‌الله که از یهودیت به تستن شافعی تغییر کیش داده بود. اختلافاتی می‌افتد که در نهایت، با سعادت رشیدالدین و دوستانش، به کشته شدن سعدالدین محمد ساوجی به فرمان ألبایتو در دهم شوال سال ۷۱۱ هجری قمری منجر می‌شود.<sup>۷</sup>

از آنجا که تاکنون نوشتار شایان توجهی در معرفی رساله پراج سعیدی ارائه نشده است، در ادامه خواهیم کوشید به برخی از ویژگی‌ها و مختصات نگارشی رساله سعیدی اشاره کنیم.

### ۱. انتساب رساله سعیدی به علامه حلی

در انتساب رساله سعیدی به علامه حلی تردیدی روانیست؛ زیرا او در خلاصه الأوقال دست کم بر اساس برخی از نسخ آن. از این اثر، در زمره تألیفات خود یاد کرده است.<sup>۸</sup> افزون بر این، در نسخه‌ای از رساله سعیدی که به قلم ابن خداد، شاگرد علامه، کتابت شده است، هم در صفحه عنوان نسخه، املاء و نگارش این اثر آشکارا به علامه نسبت داده شده (نگرید: تصویر شماره ۱) و هم در پایان آن، علامه (در ترقیمه خویش) به تصنیف این اثر تصریح کرده است (نگرید: تصاویر شماره ۲ و ۳):

«فَرَّغَ مِنْ تَصْنِيفِهِ مَصْنُفَهُ الْعَبْدُ الْفَقِيرُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى حَسَنُ بْنُ يُوْسُفَ بْنِ الْمُطَهَّرِ».

با این وصف، علامه در اجازه‌ای که برای مَهتّا بن سنان صادر کرده است،<sup>۹</sup>

۶. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۵، ص ۵۷۱.

۷. حمد (الله) مستوفی واقعه را چنین گزارش کرده است: «در سنه ۷۱۱ هجری، میان وزیران: مخلوم سعید خواجه رشیدالدین و خواجه سعدالدین طاب مثنوایا مخالفت شد. دوستان خواجه رشیدالدین در حضرت سلطان تقبیب صورت احوال خواجه سعدالدین می‌کردند و حرکات او که مخالف طبع سلطان صادر می‌شد با نظری دادند و سلطان را با او متغیر کردند و او را بگناه سوگندی که نواب او جهت موافقت با هم خورده بودند، در عاشر شوال سنه ۷۱۱ هجری، در محول بغداد، با نوابش امیر ناصرالدین یحیی بن جلال‌الدین یزدی و خواجه زین‌الدین ماستری و خواجه شهاب‌الدین مبارکشاه و غیرهم شهید کردند». (تاریخ گزیده، باهتمام: دکتر عبدالحسین نوائی، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷، ص ۶۰۸) نیز نگرید به: حمد (الله) مستوفی، ظفرنامه، مرکز نشر دانشگاهی ایران، ۱۳۷۷، ج ۲، صص ۱۴۳۶، ۱۴۳۷. ناگفته نماند که چند و چون و تفصیل این موضوع در منابع دیگر با اختلافاتی همراه است؛ برای نمونه نگرید به: خواندمیر، غیبات‌الدین بن همام‌الدین، دستور الوزراء، صص ۳۱۳، ۳۱۵؛ همو، حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر، تصحیح: دکتر محمد دبیرسیاقی، انتشارات خیتام، چ چهارم، ۱۳۸۰، تهران، ج ۳، صص ۱۹۲، ۱۹۳. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۲ هـ.ش، ج ۵، صص ۵۷۱، ۵۷۳؛ اسرار تبریزی، محمد کاظم بن محمد، منظر الأولیاء (در مزارات تبریز و حومه)، تصحیح: هاشم محدث، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ هـ.ش، صص ۲۱۱، ۲۱۴؛ طهرانی، آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، ج ۵، صص ۱۸۷، ۱۸۸. بیانی (اسلامی ندویشن)، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، مرکز نشر دانشگاهی، چ دوم، تهران، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۸۶.

۸. حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الأوقال فی معرفة الرجال، تحقیق: جواد قیومی، مؤسسه نشر الفقه‌ها، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق، صص ۱۱۳؛ ترتیب خلاصه الأوقال فی معرفة علم الرجال، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۱ هـ.ش، صص ۱۵۸.

۹. نگرید: همو، أجوبة المسائل المهنائیة، صص ۱۵۷، ۱۵۵. نیز نگرید همین اجازه را در: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳

نامی از این رساله در میان تألیفاتش نبرده است.<sup>۱۰</sup>

### ۲. تاریخ نگارش

در تحقیقاتی که در آنها به تاریخ نگاشته‌های علامه حلی پرداخته شده، زمان دقیق نگارش رساله سعیدی مشخص نگردیده است. در این نوشتارها، تنها به این نکته اشاره شده که تاریخ تألیف این رساله بین ربیع الآخر سال ۷۰۹ و ۱۰ شوال سال ۷۱۱ (یعنی زمان کشته شدن سعدالدین ساوجی که رساله سعیدی در زمان حیاتش به او تقدیم شده است) بوده است.<sup>۱۱</sup>

هـ.ق، ج ۱۰۴، ص ۱۴۸.

۱۰. چنانکه خانم اشمیتکه احتمال داده‌اند، علامه در این اجازه خود، تنها از آثاری نام برده است که مناسب تدریس است؛ به همین دلیل، نامی از کتابهای جدلی یا رساله‌های نام‌اهمیت به میان نیآورده است (نگرید: اشمیتکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ترجمه احمد نمایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸، ش ۵۲). بنابراین طبیعی است که علامه در اجازه یادشده، رساله سعیدی را ذکر نکرده باشد.

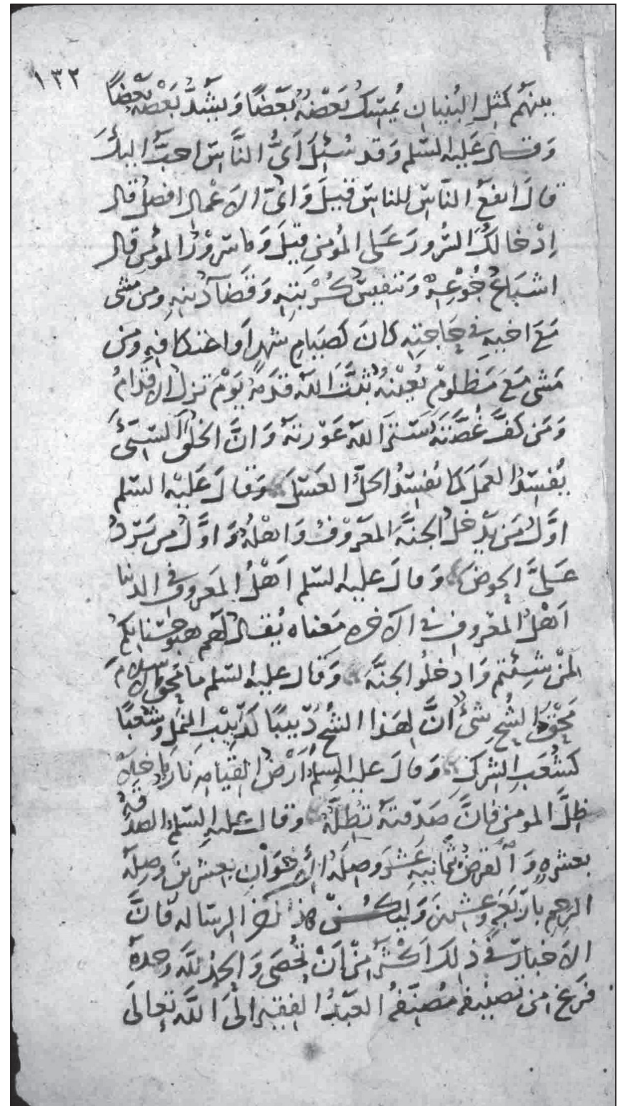
۱۱. اشمیتکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ص ۶۰ و ص ۹۵. همین مطلب در مآخذ زیر نیز بازگو شده است: طالعی، عبدالحسین، فقیه جله مورری بر زندگی و آثار علامه حلی، انتشارات

دانش اصول فقه و کلام و فقه و اخلاق است. ساختار این رساله به شرح زیر است:

- الف) خطبه و تقدیم نامه کتاب.  
 ب) مقدمات (پنج مقدمه).  
 ج) یک فصل در ۱۲ مسأله (۹ مسأله کلامی + ۳ مسأله فقهی).  
 د) خاتمه رساله در دو فصل.

علامه در خطبه و نیز مقدمه نخست رساله، غرض خود را از نگارش این رساله، بیان اجمالی و یقین‌آور مسائل اصولی (کلامی) و فقهی که اعتقاد و عمل به آنها بر هر شخصی واجب است، معرفی می‌کند. در مقدمه دوم، وجوب کسب اعتقاد یقینی تحقیقی در مسائل اصولی (کلامی) و اعتقاد یقینی (اعم از تحقیقی یا تقلیدی) را با استناد به ادله نقلی و عقلی ثابت می‌نماید. مقدمه سوم رساله به اثبات این اصل مهم می‌پردازد که به هنگام تعارض دو حکم، که یکی معلوم و اجماعی میان مسلمانان است و دیگری غیر یقینی و ظن‌آور، پیروی از حکم معلوم اجماعی لازم است. در مقدمه چهارم رساله نیز نشان می‌دهد که اجماع مسلمانان تنها زمانی تحقق پیدا می‌کند که امامیه نیز موافق و هم‌رأی با آنان باشند. در مقدمه پنجم بدین نکته تذکار می‌دهد که هر گاه در باب مسأله‌ای، دو قول مختلف میان مسلمانان مطرح شود باید به قول راجح عمل کرد.

پس از بیان این مقدمات، علامه وارد مباحث اصلی رساله می‌شود. او خاطر نشان می‌کند که در این قسمت به مسائل اختلافی میان مسلمانان پرداخته، قول حق یا راجح را که پیروی از آن واجب است، آشکار می‌سازد. تمام مسائل کلامی مربوط به اصول پنجگانه اعتقادی (توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد) که علامه در ضمن ۹ مسأله از آنها سخن گفته است، در زمره موضوعاتی قرار دارد که متکلمان مسلمان در باب آنها دچار اختلاف نظر شده‌اند. بنابراین علامه در اینجا، به هیچ‌یک از مسائل راجح به اصول پنجگانه اعتقادی که مورد اتفاق نظر مسلمانان است. مثل وجود خداوند یا اصل نبوت پیامبر (ص). اشاره نکرده است.<sup>۱۲</sup> به همین جهت نیز هست که مثلاً در این رساله برخلاف روند و روال متداول کتب کلامی، به موضوع اثبات وجود خداوند یا نبوت پیامبر (ص) نپرداخته، و هیچ از براهین اثبات وجود باری و نبی سخن نگفته است. در اثر مزبور، بطور معمول علامه در هر مسأله‌ای، بحث خودش را با عباراتی همچون «اختلف المسلمون فی



خوشبختانه در پایان نسخه‌ای که ابن خرداد از این رساله کتابت کرده است، زمان و مکان دقیق تصنیف رساله سعیدیه از روی خط علامه حلی نقل گردیده است (نگرید: تصاویر شماره ۲ و ۳):

«فرغ من تصنیفه مصنفه العبد الفقیر الی الله تعالی حسن بن یوسف بن المظفر فی ثانی عشر شهر ربیع الأول من سنة إحدى عشرة و سبع مائة بالسُلطانیة، والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سید المرسلین محمد النبی وآله الطاهیرین \* الی «الطاهیرین» بخط مصنفه رحمه الله».

براین اساس، نگارش رساله سعیدیه در تاریخ ۱۲ ربیع الأول سال ۷۱۱ هـ.ق در سلطانیة (واقع در استان زنجان کنونی) به پایان رسیده است (یعنی تقریباً هفت ماه پیش از وفات خواجه سعدالدین ساوجی که رساله به او تقدیم شده است).

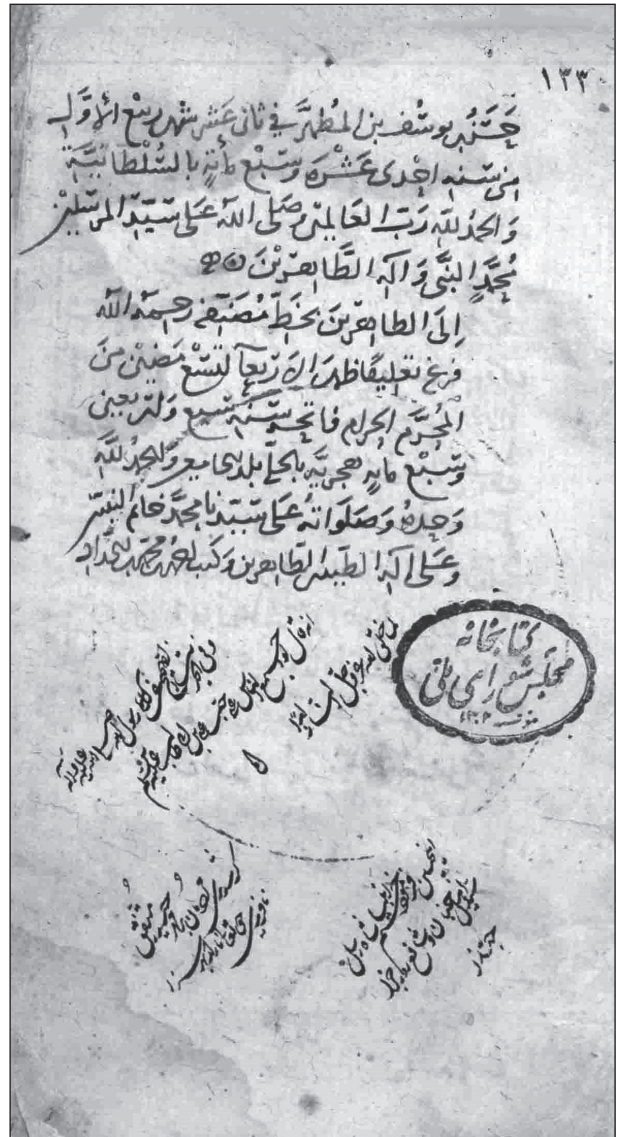
### ۳. ساختار و محتوا

رساله سعیدیه اثری است نسبتاً مختصر که حاوی مطالبی در باب چند

۱۲. مصحح محترم ترجمه رساله سعیدیه در توجیه علت نپرداختن علامه به تمام مسائل کلامی و فقهی در این رساله اظهار داشته‌اند که: «این شاید بدان دلیل باشد که خواجه سعید به همین مباحث نیازمند بوده. زیرا علامه این رساله را برای او نوشته، و به نام او نامگذاری کرده و به او اهدا نموده است.» (رساله سعیدیه، ترجمه سلطان حسین استرآبادی، تصحیح و تحقیق: علی اوجی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۳۷۱ و ۳۷۲ از مقدمه مصحح). روشن است که استنباط و استدلال ایشان پذیرفتنی نیست؛ زیرا اهدا و تقدیم کتاب به شخصی لزوماً به قصد برآورده ساختن حاجات و نیازمندی‌های او نبوده، بلکه اغلب، به رسم احترام و بزرگداشت آن شخص انجام می‌شده است.

چنانکه به اشارت رفت، رساله سعديه مشابيهت هائی با كتاب نهج الحق و كشف الصدق كه ظاهراً پيش از اين رساله نگاشته شده بوده دارد. اين مشابيهت‌ها و همسانی‌ها، هم در عبارات خطبه كتاب مشهود است و هم در موضوعات مطرح شده و مطالب مربوط به آنها. با اين وصف، كتاب نهج الحق بسيار مفصل‌تر از رساله سعديه است و با هدفی کلان‌تر، یعنی نقد آراء و دیدگاه‌های عالمان غیر شیعی (خاصه، اشاعره و معتزله و حنابله) در مهم‌ترین موضوعات کلامی و فقهی از طریق اثبات ناسازگاری و تعارض آنها با بديهيات و ادله معتبر عقلي و نقلی،<sup>۱۳</sup> به رشته تحریر درآمده است.

در بخش فقهی رساله سعديه، یعنی مسأله دهم تا دوازدهم رساله، نیز علامه همان هدف یادشده را تعقیب کرده است. او در این قسمت، تنها به بررسی مسائل اختلافی میان مذاهب اسلامی در باب سه موضوع اصلی فقهی عبادی، یعنی طهارت (وضو و غسل و تیمم) و نماز و روزه، دست‌یازیده است. تأکید بر قاعده‌ای که علامه در مقدمه سوم رساله بیان کرده بود مبنی بر اینکه «به گاه تعارض دو حکم، که یکی معلوم و اجماعی میان مسلمانان است و دیگری غیر یقینی و ظن‌آور، پیروی از حکم معلوم اجماعی لازم است»، در مباحث این بخش آشکارا دیده می‌شود. علامه در ابتدای بیشتر مباحث، نخست با عبارات کلیشه‌ای «اختلف المسلمون هنا؛ فذهب طائفة إلى...» و «قلت طائفة أخرى...»<sup>۱۴</sup> به آنگار مختلف در هر مسأله اشاره کرده است و سپس با ارائه دلیل معتمد خود، به تعیین رأی صحیح یا راجح پرداخته است. پس از آن سعی می‌کند نشان دهد عمل به رأی برگزیده او موافق با احتیاط نیز هست. جملاتی قالبی نظیر «والاحتیاط یقتضي ذلك»<sup>۱۵</sup>، «و لأن الاحتیاط یقتضي ذلك»<sup>۱۶</sup> «فإن الاحتیاط یقتضيه»<sup>۱۷</sup>، برای بیان همین امر به دفعات از سوی علامه استعمال شده است. در ادامه، به مبنای «احتیاط» پیشگفته پرداخته، خاطر نشان می‌کند که عمل به نظر و عقیده مورد اجماع و اتفاق مسلمان موجب برائت ذمه از منظر همگان می‌شود و بنابراین به احتیاط نزدیک‌تر است، برخلاف عمل به نظری که عده‌ای با آن مخالفند که عمل مطابق با آن، موجب



تصویر شماره ۳-

هذه المسأله» یا «في هذه المسأله خلاف بين المسلمين» یا نظایر اینها آغاز می‌کند و پس از آن، اقوال مذاهب اسلامی را که توجه وی بیشتر معطوف است به آراء اشاعره و معتزله و حنابله (اصحاب الحدیث). در آن مسأله بازگویی می‌کند. در واقع، آنچه مد نظر علامه از نگارش این رساله بوده، گردآوری مسائل عقیدتی اختلافی میان مسلمانان، و داوری در باب آنها و تعیین قول حق یا راجح در خصوص آنها است. به همین دلیل، ماهیت این رساله با ماهیت سایر کتب کلامی علامه حلی، به جز کتاب نهج الحق و كشف الصدق که ساختار و محتوایی تا حدودی شبیه به همین رساله سعديه دارد. متفاوت است بگونه‌ای که می‌توان آن را اثری بدیع و موجز در «کلام مقارن» یا «کلام خلافي» به حساب آورد. بر این اساس، یکی از ممیزات و ویژگی‌های مهم رساله سعديه علامه همین است که فهرستی از مسائل اختلافی کلامی را در اختیار می‌نهد و ضمن بیان آراء مهم فرق اسلامی در باب آنها، با ذکر دلیل به تعیین قول برگزیده می‌پردازد.

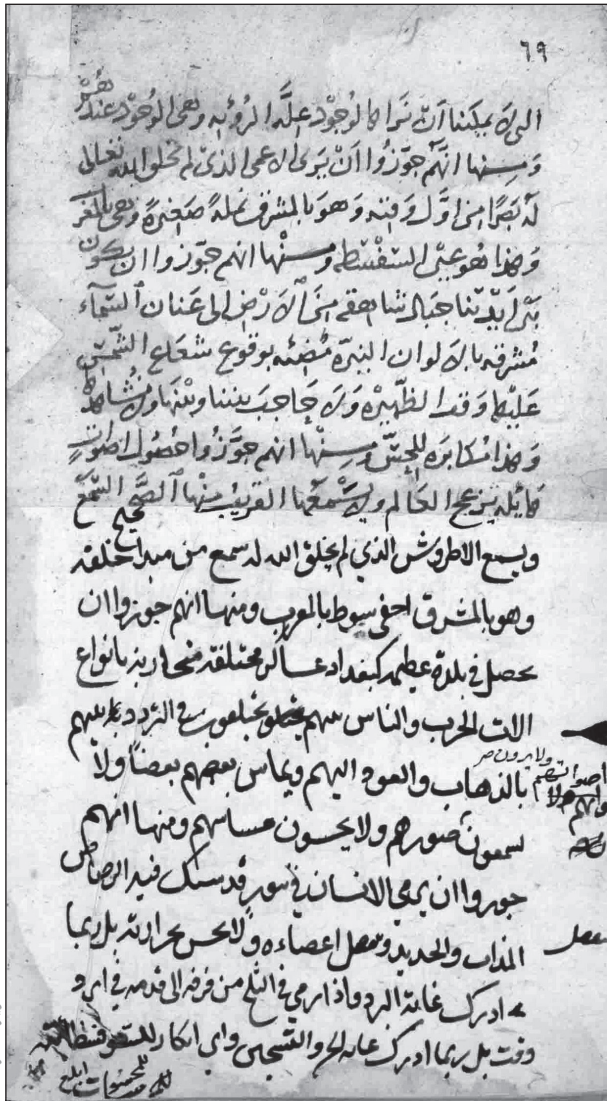
۱۳. علامه در مقدمه كتاب نهج الحق و كشف الصدق غرض خودش از نگارش این اثر را چنین توضیح می‌دهد: «وقد وضعنا هذا الكتاب الموسوم بنهج الحق و كشف الصدق طالبين فيه الاختصار وترك الإكثار بل اقتصرنا فيه على مسائل ظاهرة معدودة و مطالب واضحة محدودة و أوضحنا فيه لطائف المقلدين من طوائف المخالفين إنكار رؤسائهم و مقلديهم القضايا البديهية و المكابرة في المشاهدات الحسية و دخولهم تحت فرق السوفسطائية و ارتكاب الأحكام التي لا يرتضيها لنفسه ذو عقل و روية لعلمي بأن المنصف منهم إذا وقف على مذهب من يقلده تبرأ منه و حاد عنه و عرف أنه ارتكب الخطأ و الزلل و خالف الحق في القول و العمل». (نهج الحق و كشف الصدق، علق عليه: الشيخ عين الله الحسنی الأرموی، منشورات دار الهجرة، قم، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۳۷).

۱۴. حلی، حسن بن یوسف، الرسالة السعدية، صص ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، موارد متعدّد دیگر.

۱۵. همان، ص ۸۶.

۱۶. همان، ص ۸۷.

۱۷. همان، ص ۹۴؛ ۹۵.



تصویر شماره ۴-

حصول یقین به براءت ذمه نمی‌شود. علامه در اینجا نیز با ذکر عبارات کلیشه‌ای نظیر «إذا تعارض عنده حکمان، أحدهما مُجمَعٌ علیه، و الآخر مُختلَفٌ فيه، و لم یمكن العمل بهما، تعین المجمع علیه بلا خلاف»<sup>۱۸</sup>، «وإذا تعارض حکمان و أحدهما مجمع علیه، تعین العمل به، بلا خلاف»<sup>۱۹</sup>، «لأن الحکمین إذا اجتماعا، تعین العمل بالمقطوع منهما بلا خلاف»<sup>۲۰</sup>، «وآتباع المجمع علیه اولی من المختلف فيه بلا خلاف»<sup>۲۱</sup>، «وقد ثبت أن آتباع الحکم المجمع علیه، هو الواجب عند معارضة المختلف فيه»<sup>۲۲</sup>، «فتعین الأخذ بالمجمع علیه، و ترک المختلف فيه، لیحصل یقین الخروج عن عهدة التکلیف»<sup>۲۳</sup>، «فتعین التریک، لأنه أخذ بالحکم المجمع علیه، و قولها أخذ بالقول المختلف فيه، و لا یجوز ترک الإجماع، لحکم مختلف فيه، بلا خلاف»<sup>۲۴</sup>، «فتعین المصیرالی المتفق علیه، دون المختلف فيه»<sup>۲۵</sup>، «وجب آتباع المجمع علیه، إذا عارض المختلف فيه إجماعاً»<sup>۲۶</sup>، بر لزوم پیروی از حکم مورد اجماع (مُجمَعٌ علیه) تأکید کرده است.

به منظور آنکه شیوه و منهج استدلالی علامه در این بخش از رساله روشن شود، به ذکر یک نمونه از مواردی که او بیان کرده است می‌پردازیم. او در مسأله قرائت نماز به زبان غیر عربی به موارد زیر اشاره می‌کند:

- (۱) اختلاف مسلمانان در مسأله (اختلف المسلمون هنا).
- (۲) بیان قول نخست مبنی بر وجوب قرائت نماز به زبان عربی (فذهب طائفة إلى أنه یجب القراءة فی الصلاة بالعربیة).
- (۳) ذکر قول مخالف، یعنی جواز قرائت نماز به زبانهای دیگر (وقال بعضهم: انه یجوز ان یقرأ بالفارسیة و غیرها من اللغات).
- (۴) تعیین قول صحیح یا راجح (و الأول أصح).
- (۵) استدلال بر قول صحیح یا راجح (لأن النبی «صلی الله علیه و آله و سلم» قال: «صلوا كما رأیتمونی أصلي» و لم تنقل عنه صلاة بالفارسیة البتة).

(۶) تأیید قول صحیح یا راجح از طریق اثبات موافقت آن با احتیاط (ولأن الاحتیاط یقتضیه).

(۷) اثبات موافقت قول صحیح یا راجح با احتیاط از رهگذر استناد به اجماع (لأنه إذا صلی بالعربیة صحّت صلاته إجماعاً، و إذا صلی بغيرها بطلت صلاته عند بعضهم، و صحّت عند آخرین، فتعین

العمل بالمجمع علیه، و ترک المختلف فيه)<sup>۲۷</sup>.

در سایر مسائل فقهی هم روش علامه در بیان مطالب به همین ترتیب و تنظیم است و مراحل هفتگانه دارد که تقریباً با همان عبارات کلیشه‌ای یادشده تحریر گشته است.

#### ۴. نسخه‌ها

از رساله سعیدیه دست‌نوشته‌های متعددی برجایمانده است.<sup>۲۸</sup> تنها در فهرست فنخا<sup>۲۹</sup> ۵۲ نسخه از این اثر معرفی شده است.<sup>۲۹</sup> از میان نسخه بازمانده از سعیدیه، چند دست‌نوشته زیر حائز اهمیت و درخور توجه است:

الف) نسخه شماره ۲ / ۱۰۳۴۳ مدرسه غرب همدان به خط حسن بن

۲۷. همان، ص ۱۰۴.

۲۸. نگرید: الطبائانی، السید عبد العزیز، مکتبة العلامة الحلی، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء

التراث، قم، ۱۴۱۶ هـ.ق، صص ۱۲۹، ۱۳۲.

۲۹. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۱ ش، ج ۱۸، صص ۱۳۸، ۱۴۱.

۱۸. همان، ص ۸۶.

۱۹. همان، ص ۸۷.

۲۰. همان، ص ۹۱.

۲۱. همان، ص ۹۲.

۲۲. همان، ص ۹۴.

۲۳. همان، ص ۱۰۱.

۲۴. همان، ص ۱۰۶.

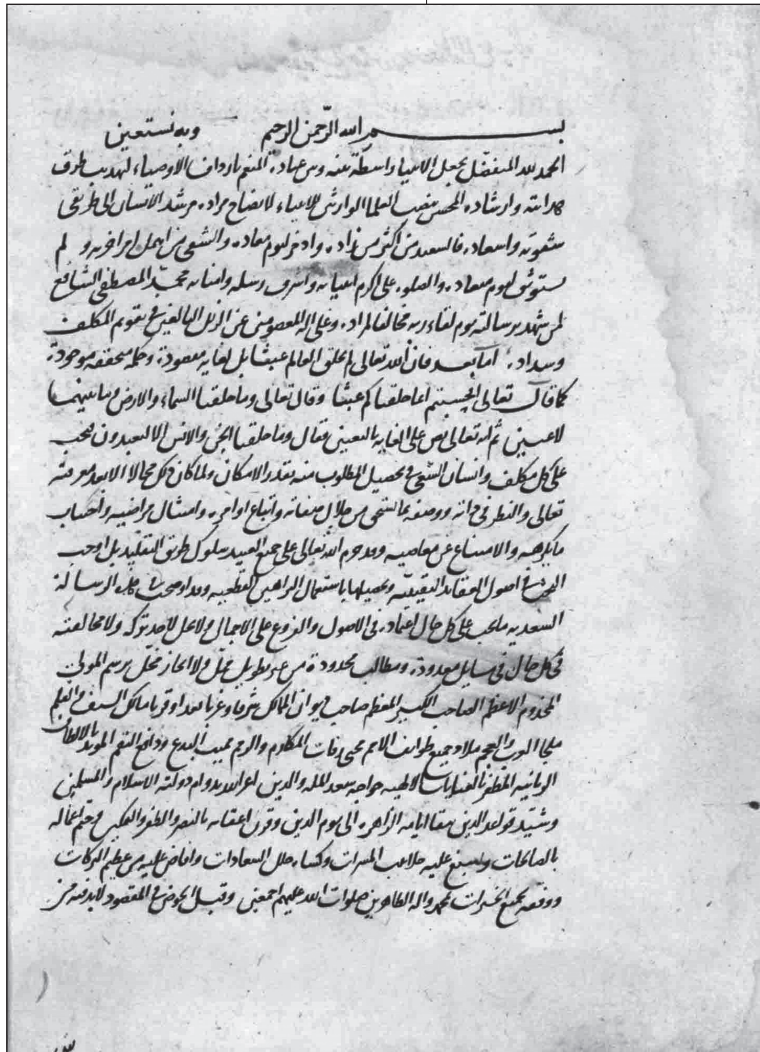
۲۵. همان، ص ۱۰۷.

۲۶. همان، ص ۱۰۸.

شمس‌الدین آملی مورخ ۷۰۰ قمری ۳۰.

متأسفانه هم‌اکنون این نسخه در دسترس راقم این سطور نیست تا ویژگی‌های آن بررسی و بازگو شود؛ اما با توجه به اینکه روشن شد تاریخ تألیف رساله سعديه ۱۲ ربیع الأول سال ۷۱۱ هـ.ق بوده است، چنین می‌نماید که تاریخ کتابت سال ۷۰۰ هجری قمری که برای این دست‌نوشته گزارش شده است، درست نباشد و نسخه یادشده می‌بایست پس از سال ۷۱۱ استنساخ شده باشد.

ب) نسخه شماره ۸۸۹۲/۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در ضمن مجموعه‌ای است ارزشمند به خط جمال‌الدین احمد بن محمد بن حداد حلّی<sup>۳۱</sup> از شاگردان علامه حلّی (نک: تصویر شماره ۱). این دست‌نوشته در تاریخ چهارشنبه ۹ محرم الحرام سال ۷۴۷ هجری قمری در حله کتابت شده است (نک: تصویر شماره ۳) و گرچه به دست ابن حداد دانشور کتابت شده، با نادرستی‌ها و اشتباهاتی همراه است. با توجه به اینکه ابن حداد پیش از انجامه خود، ترقیمه‌ای از علامه حلّی نقل کرده است، معلوم می‌شود که به احتمال قوی، وی نسخه‌اش را از روی نسخه اصل مؤلف استنساخ کرده بوده است (نک: تصاویر شماره ۲ و ۳). متأسفانه نیمه دوم برخی از صفحات این قسمت از نسخه، از میان‌رفته و مطالب آن با خطی متأخر بازنویسی شده است و همین امر موجب بروز اغلاط و اشتباهات و تکرارهایی در کتابت برخی



-تصویر شماره ۵-

کلمات شده است (نک: تصویر شماره ۴).

متن رساله سعديه در این نسخه کاملاً مشکول است و از این حیث، اهمیت‌ی دوچندان دارد. شایسته است در ویراست جدید رساله، اگر شتابزدگی‌های معمول زمانه اجازت دهد، حرکت‌گذاری‌های این نسخه مورد توجه قرار گیرد و بطور کامل در طبع آن رعایت شود.

ج) نسخه شماره ۴۹۵۳/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که ضمن مجموعه‌ایست گرانها، حاوی رساله‌هایی ارجمند اغلب از علامه حلّی و فخرالمحققین که برخی از آنها به خط سید حیدر آملی کتابت شده و در انتهای برخی از آنها نیز انهاء و اجازات فخرالمحققین به خط هم‌آمده است (نک: تصویر شماره ۵).<sup>۳۲</sup> بر اساس انجامه (ترقیمه) نسخه، این دست‌نوشته در اواخر ربیع الثانی (کذا) سال ۷۶۴ هجری قمری<sup>۳۳</sup> در

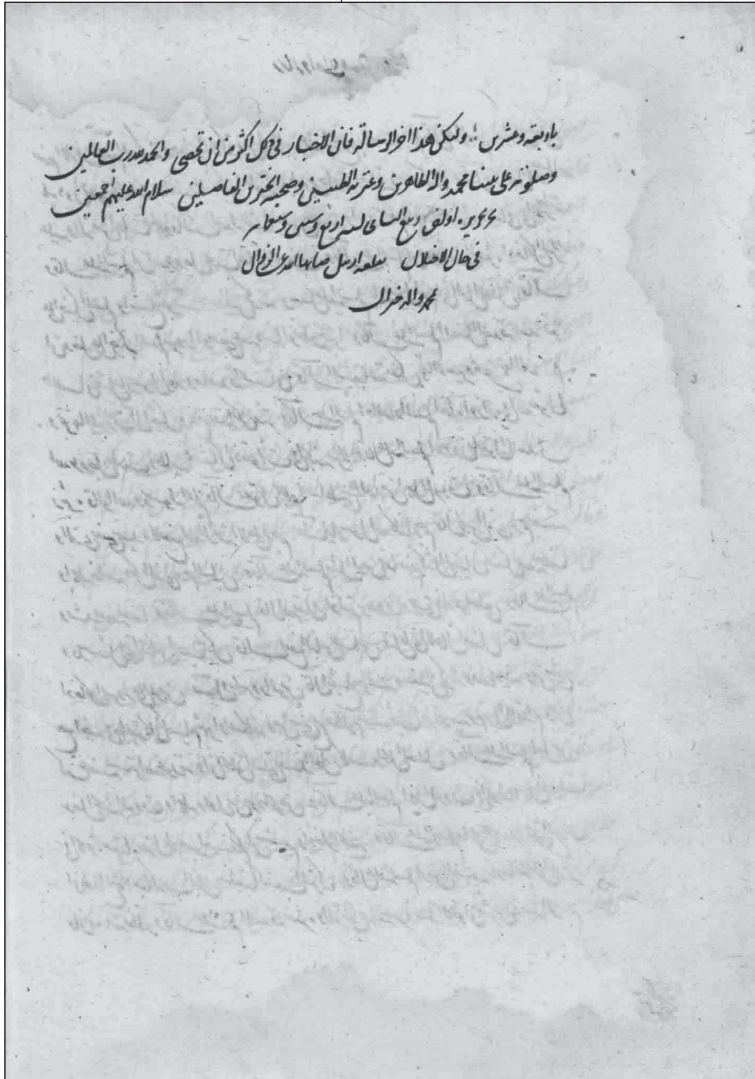
۳۰. همان، ص ۱۳۸.

۳۱. در باب او نگاه کنید به: آقا بزرگ طهرانی، طبقات أعلام الشیعة، ج ۵، ص ۱۱.

۳۲. درباره اجازات فخرالمحققین در این نسخه رجوع کنید به مقاله آقای دکتر حسن انصاری با عنوان «یک دانشمند شیعی در عصر شاه شیخ ابو اسحاق اینجو» منتشر شده در سایت کاتبان به نشانی:

<http://ansari.kateban.com/post/2015>

۳۳. در چاپ مرحوم عبدالحسین بقال از رساله سعديه دو مرتبه به تاریخ کتابت این نسخه اشاره شده که مع الأسف هر دو بار با اغلاطی همراه است: (۱) در مقدمه، ص ۳۷ من ۳: «جاء في آخرها: تمّ تحريره أواخر ربیع الثانی، لسنة أربع وسبعین و ستمائة، في حال الإحتلال بقلعة اربيل، صانها الله عن الزوال، بمحمد وآله خیر الآل» (۲). در انتهای رساله ص ۱۶۶: «تمّ تحريره أواخر ربیع الثانی، لسنة أربع وسبعین و سبعمائة، في حال الإحتلال بقلعة اربيل صانها الله عن الزوال، بمحمد وآله خیر الآل». تاریخ صحیح کتابت نسخه عبارتست از: «أربع وستين و سبعمائة».



-تصویر شماره ۶-

قلعه اربیل<sup>۳۴</sup> نوشته شده است (نک: تصویر شماره ۶).

د) نسخه شماره ۵۱۴/۲ محفوظ در کتابخانه حضرت آیه الله مرعشی نجفی، به خط جمال‌الدین علی بن مجد الدین سدید منصور استرآبادی موزخ ۸۶۵ ه. ق.<sup>۳۵</sup>

و) نسخه شماره ۵۷۹۷/۴ محفوظ در کتابخانه حضرت آیه الله مرعشی نجفی، نوشته شده بردست عزالدین بن نجم‌الدین استرآبادی در اواخر شعبان سال ۸۹۲ ه. ق.

در بین سطور و کناره‌های این نسخه، حواشی و تعلیقات و توضیحاتی کوتاه. ظاهراً به خط کاتب متن نسخه. درج شده که بطور عمده عبارت است از ترجمه برخی کلمات یا ترکیبها به زبان فارسی یا تعیین مرجع ضمائر و بیان نقش نحوی برخی ارکان جمله به زبان عربی. کاتب همچنین از برخی حروف (مثل «ط») و اعداد (مثل «۳»، «۲») برای نشان دادن مرجع ضمائر استفاده کرده است (نگرید تصاویر شماره: ۷ و ۸). گاه نیز توضیحات راجع به تبیین برخی مقاصد کلام یا ارائه دلیل بر ادعائی که در متن رساله آمده، می‌باشد. در مجموع، این حواشی و ترجمه‌ها بسیار نافع است و می‌باید در ویراست تازه رساله سعیدیه بطور کامل و دقیق ثبت و ضبط گردد. مرحوم بقال که ظاهراً از این نسخه در کار تصحیح خود استفاده کرده است، مع الأسف از درج این حواشی و توضیحات غفلت ورزیده و خوانندگان را از بهره‌جویی از آنها محروم ساخته‌اند.

## ۵. ترجمه‌ها

از رساله سعیدیه تاکنون چند ترجمه قدیم و جدید فارسی فراهم آمده و به طبع رسیده است که در ادامه، مشخصات نشر آنها بیان می‌شود:

۸) ترجمه سلطان حسین بن سلطان محمد استرآبادی

او از شاگردان شیخ بهائی (م ۱۰۳۰ ه. ق.)، و «واعظ دارالمؤمنین استرآبادی» بوده است. به غیر از ترجمه سعیدیه، صاحب تألیفاتی چون رساله مختصر «دستور الوزراء» و همچنین «ترجمه و شرح رساله اعتقادات» شیخ بهایی نیز هست که هر دو به چاپ رسیده است.<sup>۳۶</sup> وی ظاهراً در سال ۱۰۷۸<sup>۳۷</sup> یا ۱۰۸۰ ه. ق.<sup>۳۸</sup> به

۳۴. در کتاب مکتبه العلامة الحلی، ص ۱۳۰ به اشتباه، مکان کتابت نسخه «اربدیل» چاپ شده است.

۳۵. تاریخ ۸۶۵ هجری قمری در مکتبه العلامة الحلی، ص ۱۳۰ و فهرست فنخا آمده است. مرحوم بقال در مقدمه ویراست خود (ص ۳۷) تاریخ کتابت نسخه را سال ۸۸۱ معرفی کرده است: «وقع الفراغ من تحریر هذه الرسالة الشريفة، يوم الأربعاء، في أواسط جمادى الأولى، في تاريخ سنة إحدى وثمانين وثمانمائة جزوه الفقير الحفیر علی بن مجد الدین بن سدید الدین الأسترآبادی اللهم، اغفر لکاتبه و قاریه و لجمع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات». شاید این تریقه و تاریخ کتابت، متعلق به رساله دیگری باشد که همراه با رساله سعیدیه در مجموعه خطی شماره ۵۱۴ کتابت شده است، والله أعلم!

۳۶. برای آگاهی از شرح احوال و آثار او نگرید به: جهانبخش، جویا، اعتقادات شیخ بهائی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۷ ه. ش، صص ۲۳۷-۲۴۸.

۳۷. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۲۴، ص ۱۸۳.

۳۸. معجم طبقات المتکلمین، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۴ ه. ق، ج ۳، ص ۴۳۴.

شهادت رسیده است.

سلطان حسین در آغاز برگردان خودش تصریح نموده که نگارش ترجمه رساله سعديه را در سال ۱۰۷۷ هجری قمری در حدود نود سالگی آغاز کرده است.<sup>۳۹</sup> برگردان او ترجمه‌ای کامل و روان از رساله است. آقای علی اوجبی ترجمه رساله سعديه سلطان حسین استرآبادی را در سال ۱۳۸۲ ه.ش از سوی انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به چاپ رساندند. (نک: تصویر شماره ۹)

(۲) همگام با معارف اسلامی: ترجمه رساله سعديه.

به قلم محمد باقر خراسانی، ناشر: محمد باقر خراسانی (مترجم)، تهران، ۱۳۶۳. ۳۲۵ ص.

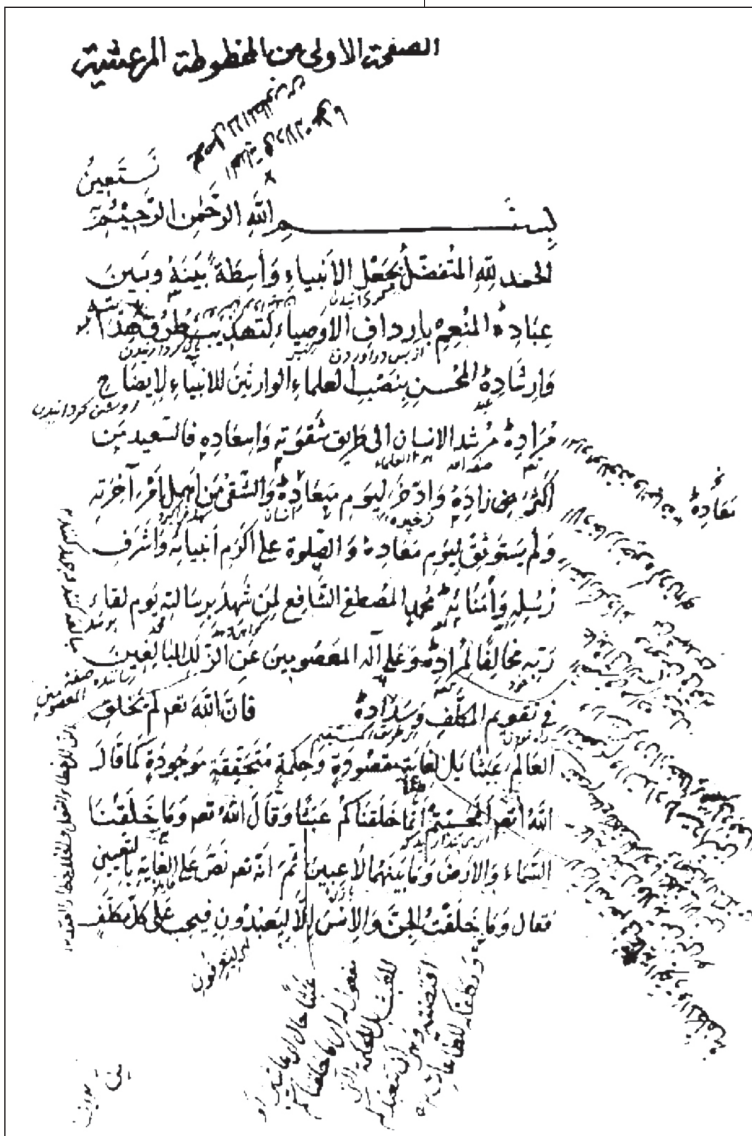
(۳) ترجمه گزیده‌ای از بخش کلامی رساله سعديه به تحریر آقای دکتر عبدالحسین طالعی، چاپ شده در: طالعی، عبدالحسین، فقیه حله (مروری بر زندگی و آثار علامه حلی)، انتشارات همشهری، ۱۳۹۲ ش، تهران، صص ۱۹۶-۲۰۸.

#### ۶. شروح و منتخبات

محمود شکری آلوسی (۱۲۷۳ ه.ق / ۱۸۵۶ م / ۱۳۴۲ ه.ق / ۱۹۲۴ م) از عالمان سلفی عراقی، شرحی بر رساله سعديه علامه حلی زیر عنوان «شرح الرسالة السعديه في استخراج العبارات القياسية». که گاه «رساله في كيفية استخراج القياس» نیز نامیده شده است.<sup>۴۰</sup> در سال ۱۳۰۰ هجری قمری نگاشته است<sup>۴۱</sup> که ظاهراً تاکنون به چاپ نرسیده است. با توجه به مواضع ضد شیعی آلوسی،

شرح او احتمالاً با نقد نقلها و دیدگاههای علامه حلی در خصوص آراء مذاهب اسلامی در مسائل عقیدتی و فقهی همراه است.

همچنین بنا به نقل آقا بزرگ تهرانی، شاه محمد بن زین العابدین الهمدانی منتخبی از رساله سعديه علامه فراهم آورده که همراه با منتخب پاره‌ای از متون دیگر در «مجموعه المنتخبات» در مجلدی گردآورده شده است.<sup>۴۲</sup>



-تصویر شماره ۷-

۳۹. رساله سعديه، ترجمه سلطان حسین استرآبادی، تصحیح و تحقیق: علی اوجبی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۱.

۴۰. خیر رمضان، محمّد، معجم المؤلفین المعاصرين في آثارهم المخطوطة والمفقودة وما طبع منها أو حقق بعد وفاتهم، مكتبة ملك فهد الوطنية، الرياض، ۱۴۲۵، الجزء الأول، ص ۷۵۷.

۴۱. بوسنیته، منجی، موسوعة أعلام العلماء والأدباء العرب والمسلمین، جامعة الدول العربية، تونس، ۱۴۲۵ ه.ق، ج ۲، ص ۳۲۵: السامرائی، ابراهیم، السید محمود شکری آلوسی و بلوغ الأرب، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع، بیروت، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۲۸. همچنین نگریه به: مرعشلی، یوسف عبدالرحمن، نثر الجواهر والدرر في علماء القرن الرابع عشر، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۲۷ ه.ق، ج ۲، صص ۱۵۵۲-۱۵۵۵.

۴۲. نگریه: تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۰۷؛ همو، طبقات أعلام الشیعة، ج ۸، ص ۵۴۹.



۷. چاپ‌ها

(۱) به صورت چاپ سنگی در مجموعه کلمات المحققین، طهران، ۱۳۱۵ هـ.ق، ج ۲، صص ۲-۴۳ و اُفست آن دن: مکتبه المفید، قم، ۱۴۰۲ هـ.ق، صص ۳۳۸-۳۷۹.

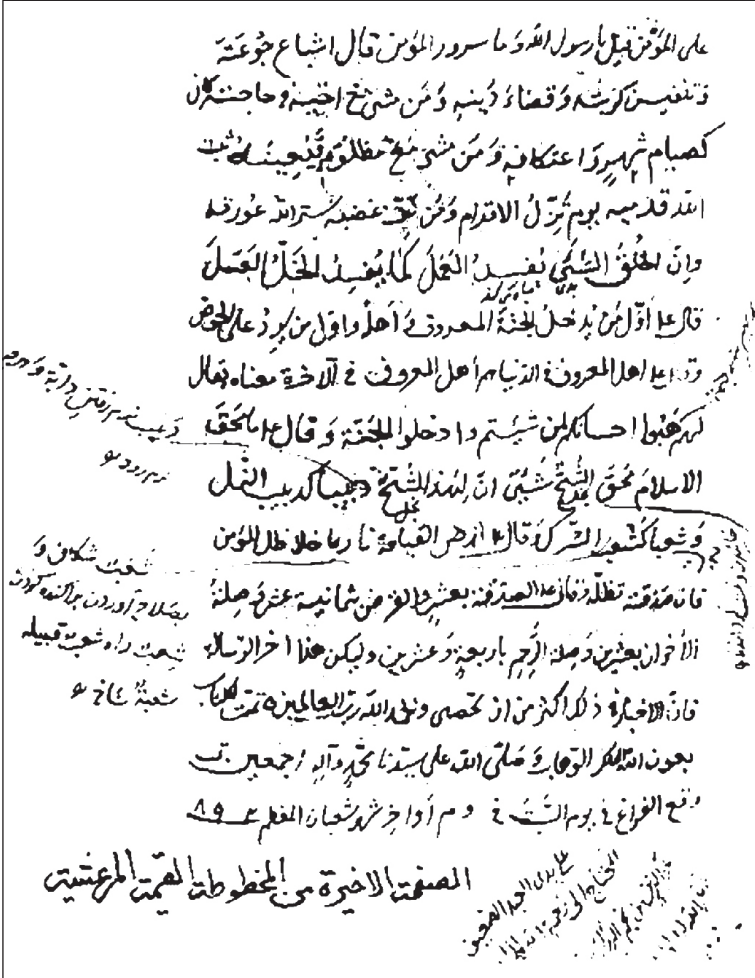
(۲) چاپ حرفی مُحَقَّق به تحقیق: عبدالحسین محمّد علی بقال، مطبعة الغری الحديثة، نجف، ۱۳۹۵ هـ.ق / ۱۹۷۵ م (نک: تصویر شماره ۱۰). این ویراست تنها بر اساس نسخه شماره ۲۹ محفوظ در کتابخانه عمومی آیه الله حکیم نجف. که ظاهراً با نسخه اصل اثر مقابله شده بوده. به طبع رسیده است.<sup>۴۳</sup>

(۳) الرسالة السعدیة، اخراج و تعلیق و تحقیق: عبدالحسین محمّد علی بقال، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق (نک: تصویر شماره ۱۱).

همین ویراست چند سال پیش نیز توسط «دار الصفوة للطباعة والنشر والتوزیع» در بیروت به صورت اُفست تجدید چاپ شد (نک: تصویر شماره ۱۲).

ویراست یادشده، بر اساس نسخه خطی شماره ۴۹۵۳/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی و یک نسخه از اثر محفوظ در کتابخانه حضرت آیه الله مرعشی نجفی ارائه شده است و بنابراین، از حیث نسخ اساس تصحیح، بطور کامل با ویراست پیشین این اثر بردست همین مصحح متفاوت است.

در خصوص نسخه‌ای که مصحح از کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی برگرفته و در تصحیح خود از آن استفاده کرده است ابهاماتی وجود دارد. از یک سو مصحح در مقدمه اثر تصریح کرده که از نسخه شماره ۵۱۴ این کتابخانه بهره گرفته است<sup>۴۴</sup> و مشخصاتی هم که برای نسخه برشمرده (همانند تعداد برگها و شماره صفحات آغاز و پایان نسخه) تقریباً با ویژگی‌های همین نسخه مطابقت دارد، و از سوی دیگر، تصویری که از صفحات آغاز و پایان نسخه مرعشیه مورد استفاده خود در پایان مقدمه درج کرده‌اند<sup>۴۵</sup> نه تصویر نسخه شماره ۵۱۴، بلکه تصویر نسخه دیگر این اثر در همان کتابخانه به شماره ۵۷۹۷/۴ است. کاتب این نسخه «عزالدین بن نجم الدّین استرآبادی» و تاریخ کتابت آن سال ۸۹۲ هـ. ق است (نک: تصویر شماره ۸) که آشکارا با کاتب و تاریخ کتابت نسخه شماره ۵۱۴ متفاوت است! بنابراین با توجه به توضیحات مصحح نمی‌توان دریافت که مصحح از کدام نسخه مرعشیه استفاده کرده است. با این همه، با لحاظ گزارشهایی که مصحح از نسخه بدلها و شماره سطور نسخه مرعشیه داده است که با ضبط کلمات در صفحه نخست نسخه شماره ۵۷۹۷/۴ (نک: تصویر شماره ۷) مطابق می‌افتد، می‌توان دانست که ظاهراً نسخه مورد رجوع مصحح همین دست‌نویست شماره ۵۷۹۷/۴ است، نه نسخه شماره ۵۱۴ که مصحح به استفاده از آن تصریح کرده است! متأسفانه



-تصویر شماره ۸-

۴۳. الرسالة السعدیة، اخراج و تعلیق و تحقیق: عبدالحسین محمّد علی بقال، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق، مقدمه، ص ۳۶.

۴۴. همان، صص ۳۷-۳۸.

۴۵. همان، صص ۴۳-۴۴.

تصویر کامل هیچ‌یک از دو نسخه مرعشیه در دسترس بنده نیست تا با مقایسه دقیق ترتیباً به قطع و یقین مشخص کنم بالاخره مصحح از کدام یک از این دو نسخه استفاده کرده بوده است.

### ۸. نقد تصحیح اخیر رساله سعديه

ویراست دومی که مرحوم عبدالحسین محمد علی بقال از رساله سعديه سالها پیش در قم منتشر کردند از آن زمان تاکنون متداول‌ترین چاپ این اثر و محل رجوع محققان بوده است. از این رو شایسته است به ارزیابی نحوه تصحیح آن دست‌یازیم تا عیار و ارزش این ویراست مشخص گردد و پژوهشگران به گاه رجوع و ارجاع به آن، نکات لازم را مد نظر قرار دهند.

عالم خدوم، شادروان عبدالحسین محمد علی بقال، به غیر از رساله سعديه آثار ارزشمند دیگری را نیز ویراسته و به طبع رسانیده‌اند که از آن جمله می‌توان اشاره کرد به: مبادئ الوصول إلى علم الاصول از علامه حلی،<sup>۴۶</sup> الرعاية في علم الدراية تألیف شهید ثانی،<sup>۴۷</sup> شرایع الاسلام في مسائل الحلال والحرام از محقق حلی،<sup>۴۸</sup> معالم الدین و ملاذ المجتهدین نوشته شیخ حسن بن زین الدین عاملی<sup>۴۹</sup>. وی همچنین صاحب آثاری چون دور الصادق (ع) فی إمامة الإسلام والمسلمین و فرهنگ لغت ارزشمند المعجم المجمعی در هشت جلد (۴ مجلد) است.<sup>۵۰</sup>

نخستین نکته گفتنی در باب ارزیابی ویراست عرضه شده از سوی مرحوم بقال، به شیوه مختار ایشان در تصحیح متن بازمی‌گردد. نامبرده با توجه به مزایای نسخه خطی شماره ۴۹۵۳/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی آن را به عنوان دست‌نوشته اصل و اساس تصحیح خود قرار داده و موارد اختلاف نسخه مرعشیه را با ضبط‌های این نسخه در پاورقی درج کرده‌اند. صرف نظر از این اشکال که به گمان راقم این سطور نسخه یا شده از کتابخانه مجلس شورای اسلامی. به دلیل اغلاط قابل ملاحظه‌ای که در آن راه یافته است. شایستگی اساس قرار گرفتن را نداشته است، ایراد مهم دیگری نیز به شیوه تصحیح مصحح وارد است. پایبندی مصحح به ضبط‌های نسخه چنان به افراط گراییده است که حتی در موارد غلط مسلم نیز همان ضبط‌های نادرست را در متن نهاده و تنها در مواردی، به تذکار ضبط درست در پاورقی اقدام کرده‌اند. همین امر موجب شده است که در مواضع متعدد، عبارات متن، مغلوط و ناستوار عرضه شود. روشن است که اتخاذ چنین شیوه‌ای در تصحیح متن مقبول نیست و به هیچ‌روی با فنون مرسوم تصحیح متن و اهداف بنیادین آن سازگار نمی‌افتد. در ادامه، نمونه‌هایی از این اغلاط را بازگو می‌کنیم:

(۱) ص ۱۳ س ۱۱: «کیف يجوز التقليد والنفاق لم یزل ولا ارتفع؟ فینطق الإنسان اعتقاداً في نفسه و يظهر غيره؟». در اینجا بجای «فینطق»، ضبط صحیح. چنانکه در نسخه ابن خداداد و نسخه مرعشیه آمده است. «فیبطن» است؛ حال آنکه مصحح بر ضبط نسخه اساس خویش جمود ورزیده و با وجود نادرستی‌اش، آن را در متن نهاده و تنها در پاورقی (شماره ۳۸) خاطر نشان کرده که ضبط صحیح همان «فیبطن» است!

(۲) ص ۱۳ س ۱۳: «حتى ان الله تعالى حکم ذلك عن جماعة». ضبط درست. همانگونه که در نسخه ابن خداداد و نسخه مرعشیه آمده است. «حکی» است؛ اما مصحح ضبط غلط نسخه اساس را برگزیده و فقط در پاورقی (شماره ۳۹) تذکار داده که ضبط درست «حکی» است.

(۳) ص ۲۹ س ۴: «ولا يجوز العدول عنه، الی ما یخالف مذهب الإمامية، لأنه یكون قطعياً، لانتفاء الإجماع حیثئذ، فیکون دلیلاً ظاهراً». در عبارت یادشده، ترکیب «لأنه یكون» نادرست است و عبارت صحیح. آنطور

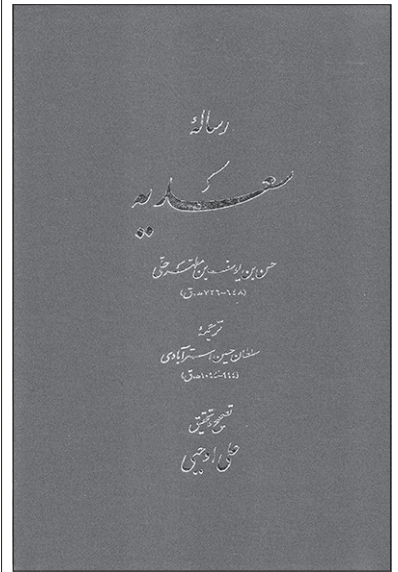
۴۶. چاپ شده در: المطبعة العلمیة، تهران، ۱۴۰۴ ه.ق.

۴۷. چاپ شده در: مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی العامة، قم، ۱۴۰۸ ه.ق.

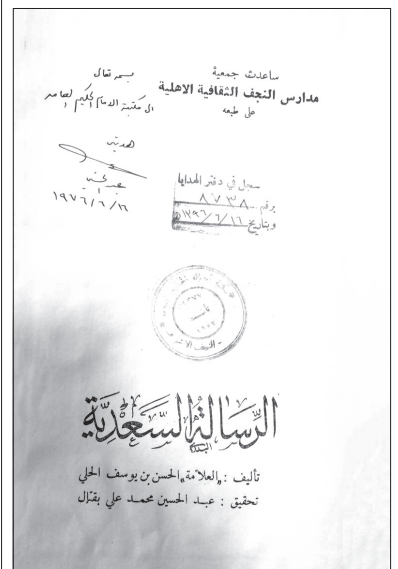
۴۸. چاپ شده در: اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

۴۹. چاپ شده در: مکتبه الداوری، قم، بی تا.

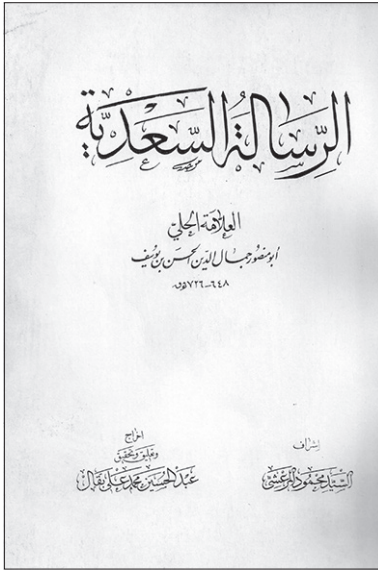
۵۰. چاپ شده در: دانشگاه، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.



-تصویر شماره ۹-



-تصویر شماره ۱۰-



-تصویر شماره ۱۱-

که در نسخه ابن حدّاد و نسخه مرعشیه آمده است. «لأنه لا يكون» است. در این مورد هم مصحح به دلیل اصرار بی وجه بر ضبط نسخه اساس، عبارت نادرست را در متن نهاده و فقط در پاورقی (شماره ۱۱۱) به ضبط صحیح اشاره کرده است.

(۴) ص ۴۶ س آخر: «أنه يلزم الكذب في قوله تعالى إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا، إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ، لأنه اخبار عن الماضي، ولم يقع الإرسال وغيره في الأزل، والكذب على الله تعالى». در اینجا، عبارت ناتمام است و کلمه «مُحَالٌّ» از آخر جمله افتاده است. بنابراین ضبط صحیح. آنگونه که در نسخه ابن حدّاد و نسخه مرعشیه آمده است. «والكذب على الله تعالى مُحَالٌّ» است. مصحح باز در اینجا ضبط درست را، بجای متن، در پاورقی (شماره ۴۸) قرار داده است!

(۵) ص ۴۸ س ۴: «أَنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي يُثَبِّتُونَ قَدَمَهُ، إِمَّا أَنْ يَكُونَ عِبَارَةً عَنِ الْمَعْقُولِ كُلِّ أَحَدٍ، أَوْ غَيْرِهِ». در عبارت یادشده، دو کلمه «المعنى» و «عند» از قلم افتاده است. در واقع، عبارت صحیح، مطابق آنچه که در دو نسخه ابن حدّاد و مرعشیه درج شده است، بدین ترتیب است: «إِمَّا أَنْ يَكُونَ عِبَارَةً عَنِ الْمَعْنَى الْمَعْقُولِ عِنْدَ كُلِّ أَحَدٍ». مصحح در این مورد هم، ریخت غلط عبارت را در متن گذارده و صورت صحیح آن را در پاورقی (شماره ۵۶) گزارش کرده است.

(۶) ص ۸۲ س ۱۰: «فَلَأَنَّهُ حَافِظٌ لِلشَّرْعِ، لِعَدَمِ إِحْاطَةِ الْقِيَاسِ وَالسَّنَةِ بِهِ، لِتَجَدُّدِ الْحَوَادِثِ، فَلَوْلَمْ يَكُنْ مَعْصُومًا، لَأَخْتَلَّ أَمْرُ الشَّرْعِ». بجای کلمه «القياس» که در متن آمده است باید کلمه «الكتاب» نهاده می شد، چنانکه در دو نسخه ابن حدّاد و مرعشیه اینگونه است. مع الأسف، مصحح به این ضبط درست تنها در پاورقی (شماره ۱۷۰) اشاره کرده است.

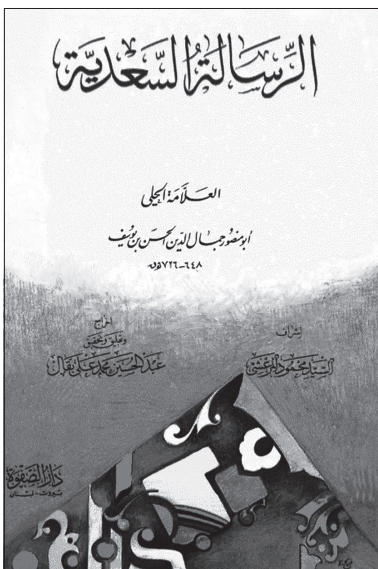
(۷) ص ۱۲ س ۹: «مَنْ أَخَذَ عِلْمَهُ مِنْ أَفْوَاهِ، أَزَالَتْهُ الرِّجَالُ». در این روایت، کلمه «الرجال» ساقط شده است. یعنی عبارت صحیح، برابر با آنچه که در دو نسخه ابن حدّاد و مرعشیه قید شده است، بدین صورت است: «مَنْ أَخَذَ عِلْمَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ، أَزَالَتْهُ الرِّجَالُ». مصحح در اینجا نیز متن صحیح را در پاورقی (شماره ۳۲) قرار داده است.

گذشته از اغلاط یادشده، نادرستی‌های دیگری هم در تصحیح متن رساله سعیدیه دیده می شود که در ادامه، پاره‌ای از آنها ذکر می شود. نخست، عبارت غلط چاپی، و به دنبال آن، ضبط درست ثبت می شود.

(۸) ص ۱۳ س ۱۱: «وَهَلْ يَعْذَرُ الْمَكْلُوفُ بَعْدَ سَمَاعِ هَذِهِ الْآيَةِ عَلَى رُؤُوسِ الشَّهَادَةِ، بِاتِّبَاعِ مَنْ لَا يَعْلَمُ بِالْقَطْعِ وَالْيَقِينِ صِدْقَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَعْصُومِينَ؟». ← «مَنْ لَا يَعْلَمُ بِالْقَطْعِ وَالْيَقِينِ صِدْقَهُ إِلَّا مَنْ صَدَّقَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَعْصُومِينَ». عبارت «إِلَّا مَنْ صَدَّقَهُ اللَّهُ» که در نسخه ابن حدّاد وارد شده است، در اینجا افتاده است.

(۹) ص ۱۶ س ۵: «وَإِذَا كَانَ حَالُ الصَّحَابَةِ، مَعَ أَنَّهُمْ صَدَرُ الْأَوَّلِ فِي الْإِسْلَامِ وَلَهُمُ السَّابِقَةُ فِيهِ فَكَيْفَ حَالُ غَيْرِهِمْ؟». ← «وَإِذَا كَانَ حَالُ الصَّحَابَةِ هَكَذَا، مَعَ أَنَّهُمْ صَدَرُ الْأَوَّلِ فِي الْإِسْلَامِ». باز در این عبارت هم کلمه «هكذا» که در نسخه ابن حدّاد ذکر شده است، از قلم افتاده است.

(۱۰) ص ۴۸ س ۲: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ)، (... فِي لُوحٍ مَحْفُوظٍ) وَاللُّوحُ مَحْدَثٌ...». ← «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي لُوحٍ مَحْفُوظٍ». در این موضع، علامه حلی ظاهراً در نقل آیه شریفه قرآن مرتکب خطا شده و بجای آیه (بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ \* فِي لُوحٍ مَحْفُوظٍ) / البروج، آیات ۲۱-۲۲ ترکیبی از آن آیه به همراه آیات (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِي كِتَابٍ مَكْتُوبٍ) / واقعه، آیات ۷۷-۷۸، را آورده اند. مصحح بجای تذکار دادن به اشتباه علامه و تصحیح آن، بین دو عبارت با سه نقطه فاصله انداخته است.



-تصویر شماره ۱۲-

(۱۱) ص ۵۳ س ۸: «وَالأَوَّلُ: هُوَ الْحَسَنُ. مَا لَا ذَمَّ عَلَى فَعْلِهِ.» ← «وَالأَوَّلُ: هُوَ الْحَسَنُ. وَهُوَ مَا لَا ذَمَّ عَلَى فَعْلِهِ.» در عبارت مذکور، دو کلمه «وهو» افتاده است با اینکه در هر دو نسخه مجلس آمده است.

(۱۲) ص ۵۷ س ۱۲: «إِنَّ فَائِدَةَ التَّكْلِيفِ، هِيَ: إِيْصَالُ الثَّوَابِ إِلَى الْمَطِيعِ، وَالتَّعْوِيضُ لَهُ.» ← «التَّعْرِيفُ.» در هر دو نسخه مجلس، «التعريف» آمده است و همان هم صحیح است.

(۱۳) ص ۵۹ س ۳: «وَهَلْ يَكُونُ مَعذُورًا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِتَقْلِيدِ أَمْثَالِ هَؤُلَاءِ، وَإِنْ يَجْعَلُهُمُ الْعَاقِلُ وَاسِطَةً بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ تَعَالَى؟.» ← «بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى» (مطابق با نسخه ابن حدّاد).

ویراست فراهم آمده از رساله سعديه بردست مرحوم بقال، آشفتگی‌های ویرایشی بسیاری، مثل استفاده نادرست و بی‌جهت از علائم ویرایشی و تقطیع‌های نامناسب و گاه مضرّ، نیز دارد که چون بر خوانندگان کتاب آشکار است در ذکر آنها سود و ثمر چندانی نیست. با توجه به اشکالات روشی و ویرایشی پیشگفته در ویراست رساله سعديه، لازم است این اثر را چنانچه بار دیگر با دقت تمام و استفاده از نسخه‌های معتبر آن، به‌ویژه نسخه ابن حدّاد، تصحیح و منتشر شود.